

## تبیین سازوکار تربیتی الگوی اخلاقی در نهج البلاغه با نگاهی به نظریه‌ی زاگربسکی

### چکیده

نهج البلاغه و معارف بلند آن ساحتی اخلاقی و تربیتی دارد. یکی از عوامل موثر در تربیت انسان، شناخت الگوهای برتر اخلاقی است. انسان با مشاهده‌ی عینی رفتارهای الگو که مطلوب اوست سعی می‌کند در نوع رفتار و سبک زندگی، خود را شبیه او سازد. از این رو شناخت ساز و کار تربیتی الگوها، نقش به‌سزایی را در جهت دهی متربی به سوی کمال دارا است. با بررسی در متن نهج البلاغه، شناخت مبانی فکری الگوی اخلاقی که عبارت از بینش او نسبت به توحید، معاد و دنیاشناسی است و به تبع این مبانی، آگاهی از اصول رفتاری الگو که در قالب اخلاق روایی در سخنان امام علی ع، آمده است و برای متربی، نمونه‌هایی عینی را فراهم می‌کند که دارای کشش و جذابیت هستند و سبب ایجاد انگیزه برای تشبیه‌جویی متربی به الگوها برای نیل به سعادت و کمال می‌شود از جمله ساز و کار تربیتی الگوهای اخلاقی است. در این مقاله با روش "داده بنیاد"، عوامل مذکور در کلام امام (ع) از دیدگاه نهج البلاغه مورد بررسی قرار گرفته است.

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۹/۷  
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۶/۹  
از صفحه ۳۳ تا صفحه ۵۲

#### فاطمه سعیدی

استادیار علوم و معارف نهج البلاغه دانشگاه  
پیام نور تهران. (نویسنده مسئول)  
saeedi.fl397@gmail.com

#### ربابه زینوند لرهستانی

دانشجوی دکتری، دانشگاه آزاد خرم آباد.  
lorestani.r@yahoo.com

#### مهدی رضازاده جودی

دانشجوی دکتری فلسفه و کلام اسلامی  
دانشگاه مفید، قم.  
rezazadeh.j@ut.ac.ir

#### واژگان کلیدی:

الگوی اخلاقی، اخلاق علوی،  
زاگربسکی، نهج البلاغه

انسان در فطرت خود، عاشق کمال و از نقص منزجر است. این امر آدمی را به الگوطلبی و الگوپذیری می‌کشد تا بدین طریق به سوی کمال مطلق حرکت کند. روش الگویی، روشی مطلوب فطرت آدمی در تربیت انسان است که در این روش، انسان نمونه‌ای عینی را مطلوب خویش می‌گیرد و به شبیه‌سازی دست می‌زند و تلاش می‌کند در همه‌ی امور خود را همانند الگوی مطلوب خویش سازد و گام در جای گام او نهد و بدو تشبه نماید و هر چه نمونه‌ی ارائه‌شده از کمال بیشتر و جاذبه‌ی فراگیرتری بهره‌مند باشد، روش الگویی مطلوب‌تر و از کارایی بیشتری برخوردار خواهد بود؛ بنابراین، بهترین الگو نمونه‌ای است تام و تمام، انسانی کامل که الگوهای دیگر نیز باید آدمی را بدین سو هدایت کنند (دلشاد تهرانی، ۱۳۹۴، ص ۳۵۳). امیرمؤمنان علی<sup>(ع)</sup> فرموده است: «برای تو بسنده است رسول خدا<sup>(ص)</sup> را مقتدا گردانی؛ پس به پیامبر پاکیزه و پاک<sup>(ص)</sup> خود اقتدا کن که در رفتار- او خصلتی است، آن را که زدودن اندوه خواهد و مایه‌ی شکیبایی است برای کسی که شکیبایی طلبد و دوست‌داشتنی‌ترین بندگان نزد خدا کسی است که رفتار پیامبر را سرمشق خود کند و به دنبال او رود» (نهج‌البلاغه، خطبه‌ی ۱۶۰).

با توجه به اینکه الگوها در تربیت انسان نقشی اساسی دارند و با نشان دادن راه رستگاری سبب سازمان‌دهی و شکل‌گیری شخصیت انسان می‌شوند، شناخت سازوکار تربیتی الگوهای اخلاقی، امری مهم در جهت‌دهی به مسیر تربیت صحیح و تکامل فرد و جامعه است. امیرمؤمنان علی<sup>(ع)</sup> در سخنان خود، بارها به موضوع الگویی و ابعاد گوناگون آن اشاره کرده‌اند. در این مقاله تلاش شده است با نگاهی به نظریه‌ی الگویی لیندا زاگربسکی، چگونگی سازوکار تربیتی الگوهای اخلاقی در متن نهج‌البلاغه پژوهش و بررسی شود.

## ۱.۱ بیان مسئله و روش پژوهش

به‌طور طبیعی، تربیت ابتدایی انسان با روش الگویی شکل می‌گیرد. کودک در چند سال نخست زندگی خود، همه‌ی کارهایش را از الگوهای پیرامون خود الگوبرداری می‌کند که در درجه‌ی اول پدر و مادر اویند و با تقلید از آنان رشد می‌کند و ساختار تربیتی‌اش سامان می‌یابد و پس از والدین، شخصیت‌هایی که نفوذ معنوی دارند، نقش الگویی بسزایی در تربیت بازی می‌کنند، به‌گونه‌ای که همه‌ی ویژگی‌های فکری و روحی و جلوه‌های رفتاری آنان تقلید می‌شود (دلشاد تهرانی، ۱۳۸۵، ص ۲۴۳). آموزه‌های علوی و رفتارشناسی اخلاق علوی، جلوه‌ی تام آموزه‌های قرآنی و نبوی است. رجوع به آن، استخراج و سازمان‌دهی و تحلیل این اخلاق می‌تواند ترجمانی اساسی و مصداقی از آموزه‌های قرآنی و بیانگر همه‌ی مدرسه‌ی اخلاقی نبوی باشد؛ ازاین‌رو، آنچه امروزه در حوزه‌ی تربیت اخلاق دینی ضرورتش احساس می‌شود، دستیابی به شناخت سازوکار تربیتی الگوی اخلاقی از دیدگاه نهج‌البلاغه است تا از این راه، با آگاهی‌های درون‌دینی متربیان بتوانند به شیوه‌ای مؤثر عمل کنند.

روش این پژوهش طبقه‌بندی و تحلیل اطلاعات به‌صورت «داده‌بنیاد» است. نخستین بار گلاسر

(Barney Glaser) و استراوس (Anselm Strauss) با رویکرد مفهوم‌سازی تئوری بنیادی، این روش را به جامعه‌ی علمی معرفی کردند. در این روش، به مطالعه‌ی استقرائی از یک پدیده پرداخته می‌شود و در ابتدا پرسش پژوهش مطرح می‌گردد و سپس برای پاسخ به این پرسش، ابتدا نکات کلیدی داده‌ها، احصا و برای هر نکته یک «کد» معین می‌شود و سپس با مقایسه‌ی کدها، چند کد که به جنبه‌ی مشترک پدیده‌ی موردبررسی اشاره دارند، عنوان یک «مفهوم» را به خود می‌گیرند و سپس چند مفهوم یک مقوله و چند مقوله در قالب یک تئوری متجلی می‌شوند (دانایی‌فرد، ۱۳۸۴، ص ۵۸-۵۹).



شکل شماره ۱. گام‌های اصلی پژوهش در فرایند خلق سازوکار تربیتی الگوهای اخلاقی با روش داده‌بنیاد

## ۲.۱. پیشینه‌ی پژوهش

لیندا زاگزبسکی<sup>۱</sup> در نظریه‌ی خود، بر ویژگی‌های درونی شخص یعنی فضایل و انگیزه‌ها تمرکز می‌کند و اوصاف اخلاقی اشخاص یعنی فضایل و رذایل را پایه‌ای‌تر از اوصاف اخلاقی افعال و نتایج به‌شمار می‌آورد (شهریاری و نواب، ۱۳۹۴، ص ۴۳). او در کتاب فضایل ذهن، در تعریف فضیلت چنین می‌نویسد: «فضیلت یک حُسن و مزیت اکتسابی پایدار و عمیق شخصی است که شامل انگیزشی خاص برای ایجاد غایت مطلوب و موفقیت قابل‌اعتماد در رسیدن به آن غایت است» (Zagzebski, 1996a, P. 137). البته مفهوم فضیلت در نظریه‌ی او صرفاً یک مفهوم ذهنی و صوری نیست، بلکه مفهومی است که از دل الگوها بیرون می‌آید و با ارجاع مستقیم و عینی شناخته می‌شود. ارجاع به الگوهای مناسب اخلاقی و کشش به تقلید از آن‌ها همان امری است که به نحو عملی، ما را به سوی اخلاقی بودن و اخلاقی زیستن برمی‌انگیزد و زاگزبسکی آن را وجه برتری نظریه‌ی خود از سایر نظریات اخلاقی به‌شمار می‌آورد (شهریاری و نواب، ۱۳۹۴، ص ۴۳).

## ۱.۲.۱. الگوگرایی

توجه به الگوی اخلاقی دومین مؤلفه‌ی نظریه‌ی اخلاقی زاگزبسکی است. او می‌گوید: هر نظریه‌ی اخلاقی باید فعل و فاعل را به‌گونه‌ای تبیین کند که مسیح، بودا یا سقراط را به‌مثابه الگوهای اخلاقی در نظر آورد و ارجاع مستقیم به الگوهای اخلاقی در نظریه‌پردازی درباره‌ی اخلاق، واجد این مزیت است که از تحلیل مفهومی محض یا ابتدای اخلاق در مفاهیم پرهیز می‌شود.

1- Linda Zagzebski

زاگزبسکی الگوی اخلاقی را معیاری برای خوبی می‌داند که می‌توان صفات منشی و شخصیتی و مفهوم پیامد خوب و بد را بر اساس الگوی اخلاقی مشخص کرد و پیامدهایی خوب است که مطلوب الگوی اخلاقی باشد و پیامدهایی بد است که الگو از آن‌ها می‌پرهیزد. الگوی اخلاقی حتی نشان‌دهنده‌ی آن چیزی است که زندگی خوب خوانده می‌شود. او معیاری برای دیگران است تا با ملاحظه‌ی عواطف، امیال و عادات مدنظر الگو دریابند کدام طریق زندگی برایشان خوب است که موجب شکوفایی‌شان یعنی زندگی مطلوب می‌شود.

در نگاه او، مبنای اخلاق اصلاً مفهوم نیست، بلکه مبنا را الگوهای مناسبی فراهم می‌آورند که ارجاع مستقیم به آن‌ها ما را در تعریف فضیلت، زندگی مطلوب و تحسین‌برانگیز یاری می‌کند (خداپرست، ۱۳۹۳، ص ۱۱۳-۱۱۲).

او برای تبیین بیشتر این دیدگاه، از نظریه‌ی ارجاع مستقیم<sup>۱</sup> بهره گرفته است که انقلابی در معناشناسی ایجاد کرد. بر اساس این نظریه، مفاهیم طبیعی با ارجاع مستقیم به مصادیق و نمونه‌هایشان شناخته و تعریف می‌شوند؛ برای مثال، در تعریف آب می‌گوییم: «هر مایعی که مانند آن مایع باشد، آب است.» در این جمله، لغت اشاره‌ی «آن» دال بر این است که شخص مستقیماً به نمونه‌ای از آب اشاره کرده و آب را با ارجاع به نمونه‌اش تعریف نموده است و آنچه در شناخت آب مهم است، ماهیت آب یا فرمول شیمیایی H<sub>2</sub>O نیست، بلکه برای فهم حقیقت آب باید در مصادیق خارجی آن مطالعه کرد؛ زیرا تنها با مشاهده‌ی انواع نمونه‌های آب است که می‌توان حقیقت آب و تعریف واقعی آن را کشف نمود (شهریاری و نواب، ۱۳۹۴، ص ۴۷). زاگزبسکی برای درست جلوه دادن نظریه‌ی ارجاع مستقیم، از دلیل کریپکی و پاتنم استفاده می‌کند و می‌گوید: «اغلب باینکه ماهیت واقعی شیء را نمی‌دانیم؛ اما می‌دانیم که چگونه تعریفی را از آن شیء ارائه دهیم که با ماهیتش پیوند تام داشته باشد» (Zagzebski, 2002, P. 319). او تلاش می‌کند تا این نظریه را به حوزه‌ی امور غیرطبیعی یعنی اخلاق نیز سرایت دهد و مفاهیم اخلاقی را بدون در پیش گرفتن مفاهیم توصیفی تعریف کند. به گفته‌ی او «مفاهیم بنیادی اخلاق بر الگوهای خوب اخلاقی استوارند» (Zagzebski, 2010, P. 51)؛ بنابراین، ما پیش از شناسایی الگوهای خوب، معیاری برای تشخیص خوبی نداریم، بلکه مفهوم خوب و بد به زنجیری از نمونه‌های بالفعل خوبی و بدی وابسته است و با ارجاع مستقیم به این نمونه‌ها و الگوهاست که مفهوم خوب و بد شناخته می‌شوند. به گفته‌ی او، نه تنها مفهوم خوب و بد، بلکه همه‌ی «اوصاف، افعال و نتایج اخلاقی اشخاص از راه ارجاع و اشاره به شخص الگوی خوب تعریف می‌شوند» (Zagzebski, 2005, P. 358).

۱- کریپکی و پاتنم این نظریه را در سال ۱۹۷۰ میلادی، به‌عنوان شیوه‌ای برای تعریف مفاهیم طبیعی مطرح کرده‌اند که بعدها به نظریه‌ی ارجاع مستقیم مشهور شد (Zagzebski, 2010, P. 50). به نقل از شهریاری، نواب، ۱۳۹۴: ۴۷).

### ۲.۲.۱. ضرورت ارجاع به روایات

در دیدگاه زاگزبسکی، پذیرش الگوگرایی با پیامدها و مزیت‌های بسیار مهمی همراه است که ضرورت رجوع به روایات یکی از مهم‌ترین آن‌هاست؛ زیرا روایات امکان مشاهده‌ی عینی از الگوها و شناخت دقیق زندگی آنان را برای ما تسهیل می‌کنند (Zagzebski, 2004, P. 46) و این فهم را به ما می‌دهند که «برخی از افراد (الگوها) تحسین‌برانگیز و سزاوار تقلیدند» (Zagzebski, 2010, P. 51). به گفته‌ی او، «اگر همه‌ی مفاهیم در یک نظریه‌ی صوری اخلاقی بر شخص مبتنی باشد، این امر تبیین می‌کند که چرا روایات و توصیفات درباره‌ی آن شخص به لحاظ اخلاقی حائز اهمیت‌اند» (Zagzebski, 2006, P. 59). او در این باره می‌نویسد: درصد کمی از مردم جهان به نظریات اخلاقی تا اندازه‌ای که من بحث کرده‌ام، اهمیت می‌دهند، درحالی‌که همه‌ی مردم جهان داستان‌ها را دوست دارند. بسیاری از نکته‌بینی‌ها و ادراکات اخلاقی از دل داستان‌ها بیرون می‌آیند؛ اما این مزیت خاص فیلسوف است که این نکته‌بینی‌ها را سازمان‌دهی کند (Zagzebski, 2010, P. 56)؛ درنتیجه، روایات هستند که با کشف اوصاف ژرف یک شخص خوب می‌توانند مشخصه‌های اصلی ارزش را برای انسان آشکار سازند و معنای خوبی‌ها و فضایل در خلال تجربه‌ها از راه ارجاع به شخص الگو و فضیلت‌مند شناسایی شوند (شهریاری و نواب، ۱۳۹۴، ص ۵۰-۴۹).

### ۳.۲.۱. تقلید از الگوی اخلاقی

زاگزبسکی در بیان پیامد دیگر الگوگرایی می‌گوید: «آموزش و یادگیری اخلاقی نیز همانند دیگر آموزش‌ها، عمدتاً با تقلید [از الگو] صورت می‌گیرد» (Zagzebski, 2010, P. 51,52). بدین ترتیب، زاگزبسکی با در پیش گرفتن رویکرد الگوگرایی، الگوی خوب را به‌عنوان معیار و ملاکی برای ما در حوزه‌ی اخلاق معرفی می‌کند که باید به‌واسطه‌ی تقلید به او نزدیک شویم و «آنچه ما باید از آن تقلید کنیم، هر آن چیزی است که او هست، هر آن چیزی است که او احساس می‌کند و هر آن چیزی است که او انجام می‌دهد» (Zagzebski, 2004, P. 134). تشبیه‌جویی و به‌کارگیری الگو برای تعلیم و تربیت اخلاقی پیشینه‌ای طولانی در نظام‌های اخلاقی مسیحی و مکتوب‌های بیانگر زندگی مسیح، حواریون و قدیسان و حتی نظام‌های اخلاقی غیردینی در نجای یونان و روم دارد؛ به‌عبارت‌دیگر، الگوی اخلاقی با منش و عمل خود دیگران را به تشبیه می‌خواند و دیگران با تحسین او و اعمالش، به این فراخوان پاسخ می‌گویند و اگر سیره‌ی مبتنی بر تشبیه شناخت آدمی را در نظر بگیریم، در تعلیم و تربیت اخلاقی تشبیه به الگوی اخلاقی عملی‌تر و مؤثرتر از ملاحظه‌ی ارزش‌ها به‌مثابه‌ی اموری مجزا و انتزاعی است. علاوه بر این، تشبیه به زندگی الگوی اخلاقی تحسین‌برانگیزتر، مؤثرتر و آموزنده‌تر از تشبیه صرف به اعمال اوست (خداپرست، ۱۳۹۳، ص ۱۲-۱۱۹).

### ۴.۲.۱. محوریت عاطفه در اخلاق

در نگاه زاگزبسکی، «عواطف اولین گام برای فراگیری مفاهیم و باورهای اخلاقی هستند» (Zagzebski, 2004, P. 178) و «تکیه‌ی اصلی رفتارهای نیک اخلاقی بر تجربه‌های عاطفی استوار است» (ibid, P. 59). او «عاطفه را همان انگیزه می‌نامید، زمانی که باعث ایجاد فعل می‌شود»

(ibid, P. 97) و «فرد را به سوی فعل بکشاند» (Zagzebski, 1996a, P. 131). زاگزبسکی با تمسک به این ایده، به این نتیجه می‌رسد که فعل یک کنشگر را باید از راه انگیزه‌های او تبیین کرد؛ زیرا این انگیزه‌ها و عواطف‌اند که علت و محرک اصلی کنشگر به سوی فعل هستند. به گفته‌ی او (شهریاری و نواب، ۱۳۹۴، ص ۵۰)، «علت اصلی انجام فعل [از سوی کنشگر] چه در معنای توجیهی و چه در معنای علی آن، عاطفه است» (Zagzebski, 2004, P. 135).

او درباره‌ی ارتباط ماهیت عواطف و شناسایی الگوی خوب و تقلید از او می‌نویسد: «یک الگو، شخصی است که بیش از همه سزاوار تحسین است. ما [شخص] تحسین‌برانگیز را از طریق حس عاطفی تحسین و تمجید شناسایی می‌کنیم... احساس تحسین و تمجید این جاذبه را دارد که همراه با آن، نیرو [یا انگیزشی] برای تقلید به بارمی‌آید» (Zagzebski, 2010, P. 54).

علاوه بر نظریه‌ی یادشده، تاکنون مقالات متعددی در موضوع الگوییابی تألیف گردیده است؛ مانند مقاله‌ی «نقش الگوهای ارتباطی خانواده در پیش‌بینی هوش هیجانی دانش‌آموزان با اختلال یادگیری خاص» نوشته‌ی همتی علمدارلو، محمد اسمعیل‌بیگی و انجم شعاع (۱۳۹۷) و «نگاهی قرآنی به نقش الگو در تربیت اقتصادی فرزندان» نوشته‌ی امامی (۱۳۹۵) و نیز پژوهش «ضرورت وجود الگو برای زنان مسلمان» از حیدری و محمدی (۱۳۹۰). با بررسی مقالات بالا مشخص می‌شود، موضوع این پژوهش که به بررسی سازوکار تربیتی الگوهای اخلاقی بر اساس متن نهج‌البلاغه اختصاص دارد، تاکنون موردتحقیق قرار نگرفته است و این امر، وجه ممیز این پژوهش با دیگر پژوهش‌ها است.

## ۲. بررسی سازوکار تربیتی الگوهای اخلاقی با روش داده‌بنیاد

### ۲.۱. استخراج مفاهیم سازوکار تربیتی الگوهای اخلاقی از گزاره‌های نهج‌البلاغه

در این مرحله از پژوهش، با مطالعه‌ی نظریه‌ی اخلاقی لیندا زاگزبسکی در موضوع الگوگرایی و آگاهی‌هایی<sup>۱</sup> که برای ورود به متن نهج‌البلاغه لازم است، گزاره‌هایی شناسایی شد که در این موضوع در متن نهج‌البلاغه آمده است و تحت عنوان «مفاهیم» که عبارت‌اند از واحدهای پایه‌ای یا خرد تحلیل (دانایی فر، امامی، ۱۳۸۶: ۸۱)، در قالب جدول شماره ۱ نمود پیدا کرده است.

۱- این آگاهی‌ها عبارت‌اند از: دانش‌های درونی متن نهج‌البلاغه که شامل شناخت مفردات، مرکبات، مجازها، گردآوری قرینه‌ها و تشکیل خانواده حدیث است و دانش‌های ورود به متن نهج‌البلاغه که عبارت‌اند از: شناخت جغرافیای سخن (فضای اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی)، شناخت سبب صدور متن مدنظر، شناخت تاریخ ایراد کلام، مخاطب‌شناسی، موضوع‌شناسی و اهداف مدنظر در مقام بیان کلام نهج‌البلاغه (دلشاد تهرانی، ۱۳۹۱، ص ۵).

جدول شماره ۱. ظهور مفاهیم سازوکار تربیتی الگوهای اخلاقی مستخرج از نهج البلاغه				
ردیف	گزاره	کد گزاره	مفهوم	مقوله
۱	قرآن گرد دودلی از دل‌ها بزدايد و با حجت و دليل ملزم فرمايد. نشانه‌هايش را بينند و بيش نستيزند و بترسند و از گناه بپرهيزند (نهج‌البلاغه، خطبه‌ی ۲).	PA140	ايجاد انگيزه برای الگو قرار دادن قرآن	معرفی الگو و محوریت عاطفه در الگوگرایی
۲	و از پيشينيان خود پند گيريد، پيش از آنکه پسينيان از شما عبرت گيرند (همان، خطبه‌ی ۳۲).	pA36	توجه به اخلاق روایی درگذشتگان	بررسی اخلاق روایی
۳	آيا حکم قرآن را میان شما جاری نداشتم و دو فرزندم را- که پس از من چراغ راه دین‌اند- و خاندان پیامبر را که گوهران گزین‌اند، برای شما نگذاشتم. رایت ایمان را میان شما پابرجا کردم و مرزهای حلال و حرام را برایتان جدا. از عدل خود لباس عافیت بر تنتان کردم و با گفتار و کردار خویش، معروف را میان شما گستردم؛ تا بدانید دادگر کیست و نیکوکار چه کسی است و با خوی خود شما را نشان دادم که اخلاق گزیده چیست (همان، خطبه‌ی ۸۷).	PA135	الگو بودن قرآن و اهل بیت و بیان اصول رفتاری اهل بیت	معرفی الگو و بررسی اصول رفتاری الگو
۴	او (پیامبر اکرم ص) پیشوای کسی است که راه پرهیزگاری پوید و چراغ آن است که راهنمایی جوید. چراغی است که پرتو آن دمید و درخششی است که روشنی آن بلند گردید و آتشنه‌ای است که نور آن درخشید. رفتار او میانه‌روی در کار است و شریعت او راه حقیق را نمودار. سخنش حق را از باطل جدا سازد و داوری او عدالت است و ستم را براندازد (همان، خطبه‌ی ۹۴).	PA105	اصول رفتاری حق طلبی و عدالت در پیامبر اکرم ص برای الگو بودن	معرفی الگو و بررسی اصول رفتاری الگو
۵	به خاندان پیامبرتان بنگرید و بدان سو که می‌روند، بروید و پی آنان را بگیرید؛ که هرگز شما را از راه رستگاری بیرون نخواهند کرد و به هلاکتان بازخواهند آورد. اگر ایستادند، بایستید و اگر برخاستند، برخیزید. بر آنان پیشی مگیرید که گمراه می‌شوید و از آنان پس نمانید که تباه می‌گردید (همان، خطبه‌ی ۹۷).	PA145	لزوم تقلید از اهلبیت	تشبه‌جویی
۶	و به سیرت پیامبرتان اقتدا کنید که برترین سیرت است و به سنت او بگروید که راهنماترین سنت است (همان، خطبه‌ی ۱۱۰).	PA37	تقلید از سیرت و سنت پیامبر	تشبه‌جویی
۷	همانا امامان از جانب خدا تدبیرکننده‌ی کار مردمان‌اند و کارگزاران بندگان‌اند. کسی به بهشت نرود، جز آنکه آنان را شناخته باشد و آنان او را شناخته باشند و به دوزخ در نشود، جز آنکه منکر آنان بود و آنان وی را نپذیرفته باشند و محرم نساخته (همان، خطبه‌ی ۱۵۲).	PA115	مبنای معاد باوری برای ايجاد انگيزه‌ی تقلید از امام علی <sup>(ع)</sup>	شناخت مبانی الگوگرایی و محوریت عاطفه در الگوگرایی

جدول شماره ۱. ظهور مفاهیم سازوکار تربیتی الگوهای اخلاقی مستخرج از نهج البلاغه

ردیف	گزاره	کد گزاره	مفهوم	مقوله
۸	اگر فرمان مرا بردید، ان شاء الله شما را به راه بهشت می‌برم، هرچند سخت دشوار باشد و تلخ‌کامی آن پدیدار (همان، خطبه‌ی ۱۵۶).	PA24	مبنای معاد باوری برای ایجاد انگیزه‌ی تقلید از امام علی <sup>(ع)</sup>	شناخت مبانی الگوگرایی و محوریت عاطفه در الگوگرایی
۹	و اگر خواهی از عیسی‌بن‌مریم <sup>(ع)</sup> گویم که سنگ را بالین می‌کرد و جامه‌ی درشت به تن داشت و خوراک ناگوار می‌خورد و نان‌خورش او گرسنگی بود و چراغش در شب ماه و در زمستان مشرق و مغرب زمین او را سایبان بود و جای پناه و میوه و ریحان او آنچه زمین برای چهار پایان رویاند از گیاه. زنی نداشت تا او را فریفته‌ی خود سازد، فرزندی نداشت تا غم وی را خورد و نه مالی که او را مشغول کند و نه طمعی که او را به خواری دراندازد. مرکب او دو پایش بود و خدمت‌گزار وی دست‌هایش (همان، خطبه‌ی ۱۶۰).	PA109	اخلاق روایی از زندگی حضرت عیسی	بررسی اخلاق روایی در الگوگرایی و معرفی الگو
۱۰	برای تو بسنده است رسول خدا <sup>(ص)</sup> را مقتدا گردانی و راهنمای شناخت بدی و عیب‌های دنیا و خوارمایگی و زشتی‌های فراوانش بدانی که چگونه دنیا از هر سو بر او درنور دیده شد و برای دیگری گستریده، از نوش آن نخورد و از زیورهایش بهره نبرد (همان، خطبه‌ی ۱۶۰).	PA121	اصول رفتاری رسول خدا <sup>(ص)</sup> در برخورد با دنیا	معرفی الگو و بررسی اصول رفتاری الگو
۱۱	برای تو (ای دل‌باخته‌ی دنیا) کافی است که روش رسول خدا <sup>(ص)</sup> را سرمشق خود قرار دهی و دلیل و راهنمای خود در نکوهش دنیا و مذمت آن و رسوایی فراوان و بدی‌هایش بشماری؛ چه اینکه مواهب دنیا از او گرفته شد و برای دیگران آماده گشت. او از پستان دنیا جدا و از زخارف و زیبایی‌هایش برکنار شده بود (همان، خطبه‌ی ۱۶۰).	PA103	مبنای دنیاشناسی رسول اکرم <sup>(ص)</sup>	شناخت مبانی الگوگرایی
۱۲	(تو ای مسلمان)، به پیامبر پاک و پاکیزه‌ات <sup>(ص)</sup> تأسی جوی... او به‌اندازه‌ی نیاز از دنیا بهره گرفت و هرگز تمایلی به آن نشان نداد. اندامش از همه‌ی مردم لاغرتر و شکمش از همه گرسنه‌تر بود. دنیا (از سوی خدا) به وی عرضه شد؛ اما آن را نپذیرفت (همان، خطبه‌ی ۱۶۰).	PA45	اخلاق روایی از زندگی رسول اکرم <sup>(ص)</sup>	معرفی الگو و بررسی اخلاق روایی در الگوگرایی
۱۳	او می‌دانست چه چیزی مبعوض خداست، آن را مبعوض می‌شمرد، چه چیز نزد خدا حقیر است، آن را حقیر می‌دانست و چه چیز نزد او کوچک است، آن را کوچک می‌دید (همان، خطبه‌ی ۱۶۰)	PA61	توحید مبنای فکری رسول اکرم <sup>(ص)</sup>	شناخت مبانی الگوگرایی

جدول شماره ۱. ظهور مفاهیم سازوکار تربیتی الگوهای اخلاقی مستخرج از نهج البلاغه

ردیف	گزاره	کد گزاره	مفهوم	مقوله
۱۴	زیرا خداوند محمد - که درود خدا بر او و خاندانش باد - را نشانه‌ی قیامت و بشارت‌دهنده‌ی بهشت و بیم‌دهنده‌ی کیفر قرار داده است. او با شکم گرسنه از این جهان رحلت کرد و با سلامت (روح و ایمان) به سرای دیگر وارد شد. او تا آن زمان که از جهان رخت بریست و دعوت حق را اجابت کرد، سنگی روی سنگ نهاد (و خانه‌ی محکمی برای خود نساخت). چه منت بزرگی خدا بر ما نهاده که چنین پیشوا و رهبری به ما عنایت کرده تا راه او را ببوییم و قدم در جای قدم‌های او نهیم (همان، خطبه‌ی ۱۶۰).	PA125	اصول رفتاری رسول خدا <sup>(ص)</sup> در برخورد با دنیا	معرفی الگو و بررسی اصول رفتاری الگو
۱۵	و اگر دومین را خواهی، موسی <sup>(ع)</sup> مثل آدم که گفت: «پروردگارا! من به چیزی که برایم فرستی، نیازمندم.» به خدا! که از او نخواست جز نانی که آن را بخورد؛ که موسی <sup>(ع)</sup> از سبزی زمین می‌خورد، آن‌چندان‌که به خاطر لاغری تن و تکیده‌ی گوشت بدن رنگ آن سبزی از پوست تنک شکم او نمایان بود (همان، خطبه‌ی ۱۶۰).	PA29	اخلاق روایی از زندگی حضرت موسی <sup>(ع)</sup>	معرفی الگو و بررسی اخلاق روایی در الگوگرایی
۱۶	و اگر سومین را خواهی، داود <sup>(ع)</sup> گویم، خداوند مزامیر- و زبور- و خواننده‌ی بهشتیان که به دست خود از برگ خرما زنبیل‌ها می‌بافت و مجلسیان خویش را می‌گفت: کدام‌یک از شما در فروختن آن، مرا یاری می‌کند و از بهای آن زنبیل‌گرفته‌ای نان جوین می‌خورد (همان، خطبه‌ی ۱۶۰).	PA49	اخلاق روایی از زندگی حضرت داوود <sup>(ع)</sup>	معرفی الگو و بررسی اخلاق روایی در الگوگرایی
۱۷	بدان که فاضل‌ترین بندگان خدا نزد او امامی است دادگر، هدایت‌شده و راهبر که سنتی را که شناخته است، برپا دارد و بدعتی را که ناشناخته است، پمیراند (همان، خطبه‌ی ۱۶۴).	PA83	برپایی سنت و مبارزه با بدعت در اصول رفتاری امام (حاکم)	بررسی اصول رفتاری الگو
۱۸	بدانید، اگر از پیشوا و رهبر خود پیروی کنید، شما را به همان راهی می‌برد که رسول خدا <sup>(ص)</sup> از آن راه رفت، از رنج‌ها (ی پُراهه رفتن) آسوده خواهید شد و بار سنگین مشکلات را از گردن خود برمی‌دارید (همان، خطبه‌ی ۱۶۶).	PA102	ایجاد انگیزه برای تقلید از امام علی <sup>(ع)</sup>	محوریت عاطفه در الگوگرایی
۱۹	ای مردم، به خدا سوگند! من شما را به هیچ طاعتی ترغیب نمی‌کنم، مگر اینکه خودم پیش از شما به آن عمل می‌نمایم و شما را از هیچ معصیتی باز نمی‌دارم، مگر اینکه خودم پیش از شما از آن دوری می‌جویم (همان، خطبه‌ی ۱۷۵).	PA25	اصول رفتاری امام علی <sup>(ع)</sup> برای الگو بودن	بررسی اصول رفتاری الگو

جدول شماره ۱. ظهور مفاهیم سازوکار تربیتی الگوهای اخلاقی مستخرج از نهج البلاغه

ردیف	گزاره	کد گزاره	مفهوم	مقوله
۲۰	و بدانید که این قرآن پندگویی است که فریب ندهد و راهنمایی است که گمراه نکند و حدیث خوانی است که دروغ نگوید و کسی با قرآن ننشست، جز که چون برخاست، افزون شد یا از وی کاست: افزونی در رستگاری و کاهش از کوری- و دل بیماری؛ پس بهبودی خود را از قرآن بخواهید و در سختی‌ها از آن طلب یاری نمائید که قرآن بزرگ‌ترین آزار را موجب بهی است و آن کفر و دورویی و بیراهه شدن و گمراهی است (همان، خطبه‌ی ۱۷۶).	PA44	ایجاد انگیزه برای الگو قرار دادن قرآن	محوریت عاطفه در الگوگرایی
۲۱	پس اگر خیری دیدید، مرا بر آن یار باشید و اگر شری دیدید، از آن به کنار باشید که رسول خدا <sup>(ص)</sup> می‌فرمود: «ای پسر آدم! کار نیک کن و کار بد را واگذار- که چون چنین کنی- در کار تیز رفتاری و از کار خود برخوردار» (همان).	PA130	تقلید در فضیلت نیکوکاری از امام علی <sup>(ع)</sup>	تشبه‌جویی
۲۲	همانا در روزگاران گذشته برای شما پند است. کجایند عملاقیان و فرزندان عملاقیان؟ کجایند فرعونیان و فرزندان فرعونیان؟ کجایند مردمی که در شهرهای رس بودند که پیامبران را کشتند و سنت فرستادگان خدا را میراندند و سیرت جباران را زنده کردند؟ کجایند آنان که با سپاهیان به راه افتادند و هزاران تن را شکست دادند؟ سپاه‌ها به راه انداختند و شهرها ساختند (همان، خطبه‌ی ۱۸۲).	PA139	اخلاق روایی و عملاقیان و فرعونیان	بررسی اخلاق روایی
۲۳	همانا من میان شما همانند چراغم در تاریکی، آن‌که به تاریکی پای گذارد، از آن چراغ روشنی جوید و سود بردارد؛ پس ای مردم بشنوید و در دل بگنجانید و گوش دل خود را آماده کنید تا نیک بدانید (همان، خطبه‌ی ۱۸۷).	PA117	ایجاد انگیزه برای تقلید از امام <sup>(ع)</sup>	محوریت عاطفه در الگوگرایی
۲۴	اما خدای سبحان بزرگ‌منشی را بر آنان ناپسند دید و فروتنی‌شان را پسندید؛ پس پیامبران- از روی فروتنی- گونه‌های خود را بر زمین چسبانیدند و چهره‌های خود را به خاک مالیدند و در برابر مؤمنان فروتنی کردند و خود مردمانی مستضعف بودند (همان، خطبه‌ی ۱۹۲).	PA70	اصل رفتاری پرهیز از کبر در پیامبران	بررسی اصول رفتاری الگو

جدول شماره ۱. ظهور مفاهیم سازوکار تربیتی الگوهای اخلاقی مستخرج از نهج البلاغه

ردیف	گزاره	کد گزاره	مفهوم	مقوله
۲۵	من از مردمی هستم که در راه خدا از سرزنش ملامت‌کنندگان باز نمی‌ایستند. نشانه‌های آنان، نشانه‌ی راست‌کاران و سخنشان، گفتار درست‌کرداران. زنده‌داران شب‌اند [به عبادت] و نشانه‌های روزانه [برای هدایت]. چنگ در ریسمان قرآن زده‌اند و سنت خدا و فرستاده‌ی او را زنده کرده‌اند. نه بزرگی می‌فروشدند و نه برتری‌جویی دارند؛ نه خیانت می‌کنند و نه تباهی به بار می‌آورند. دل‌هایشان در بهشت و تن‌هایشان در کار و تلاش است (همان، خطبه‌ی ۱۹۲).	PA90	اصول رفتاری امام علی <sup>(ع)</sup> برای الگو بودن	بررسی اصول رفتاری الگو
۲۶	پس از حال فرزندان اسماعیل و اسحاق و اسرائیل- که درود بر آنان باد- پند گیرید؛ که حالت‌ها سخت متناسب است باهم و چه نزدیک است مثال‌ها به‌هم بیش‌وکم. در کار آنان بیندیشید و روزگاری که پراکنده بودند و از هم جدا و کسرها و قیصرها بر آنان پادشاه... پست‌ترین جای‌هایشان خانه و خشک‌ترین بیابان‌شان جای قرار و کاشانه. نه- به‌سوی حق- دعوتی تا بدان روی آرند و خود را- از گمراهی- بازدارند و نه سایه‌ی الفتی که رخت بدن‌جا افکنند و در عزت آن زندگی کنند (همان، خطبه‌ی ۱۹۲).	PA79	اخلاق روایی فرزندان اسماعیل و اسحاق و اسرائیل	بررسی اخلاق روایی
۲۷	(متقین) چند روزی را با شکیبایی به‌سر بردند که آسایشی درازمدت را برایشان به دنبال آورد. تجارتی سودمند بود که پروردگارشان برای آنان فراهم کرد (همان، خطبه‌ی ۱۹۳).	PA39	معاد مبنای رفتاری برای الگو بودن متقین	شناخت مبانی الگوگرایی
۲۸	پرهیزگاران خداوندان فضیلت‌اند (همان).	PA85	الگو بودن متقین	معرفی الگو
۲۹	(قرآن) راهنمای هرکه بدان اقتدا کند و راهبر آن‌که آن را به کار دارد و برنده‌ی آن‌که آن را کار فرماید و نشان آن‌کس که در آن بنگرد، چنانکه باید و نگاهدار کسی که خود را بدان از آسیب پاید و دانش کسی که آن را نیک به خاطر سپارد (همان، خطبه‌ی ۱۹۸).	PA35	ایجاد انگیزه برای الگو قرار دادن قرآن	معرفی الگو و محوریت عاطفه در الگوگرایی
۳۰	پس خوشا دارنده‌ی دل بی‌گزند که پیروی کند کسی را که او را راه نماید و دوری کند از آن‌که او را تباه نماید و به راه سلامت رسیده است به راهبری آن‌که او را راه نمود و فرمان‌برداری راهنمایی که او را چنان فرمود و به راه رستگاری شتافت، پیش از آنکه دره‌ایش بسته شود و وسیلت‌هایش گسسته و در توبه را گشودن خواهد و گناهان را زدودن. چنین کس بر سر راه ایستاده است و راه راست به رویش گشاده (همان، خطبه‌ی ۲۱۴).	PA110	تقلید از الگو و نتایج آن	تشبه‌جویی و ضرورت الگوگرایی

جدول شماره ۱. ظهور مفاهیم سازوکار تربیتی الگوهای اخلاقی مستخرج از نهج البلاغه			
ردیف	گزاره	کد گزاره	مفهوم مقوله
۳۱	اگر ببخشیم، بخشش موجب نزدیکی من است به خدای باری و اگر شما ببخشید، برای شما نیکوکاری؛ پس ببخشید. آیا دوست نمی‌دارید که خدا شما را بیمارزد؟ (همان، نامه‌ی ۲۳).	PC20	توحید مبنای رفتاری الگو بودن امام علی <sup>(ع)</sup>
۳۲	بدان پسرکم که هیچ‌کس چون رسول <sup>(ص)</sup> از خدا آگاهی نداده است؛ پس خرسند باش که او را راه‌بردت گیری و برای نجات، پیشوایی‌اش را بپذیری (همان، نامه‌ی ۳۱).	PC27	شناخت مبنای توحید دز الگو شدن پیامبر
۳۳	آیا بدین بسنده کنم که - مرا- امیرمؤمنان گویند و در ناخوشایندهای روزگار شریک آنان نباشم یا در سختی زندگی- نمونه‌ای- برایشان نشوم (همان، نامه‌ی ۴۵).	PC132	اصل رفتاری هم‌دلی امام علی <sup>(ع)</sup> به‌عنوان الگو در رهبری جامعه
۳۴	آگاه باش که هر پیروی را پیشوایی است که پی‌وی را پوید و از نور دانش او روشنی (همان).	PC88	لزوم داشتن الگو ضرورت الگوگرایی
۳۵	و بر تو واجب است به سبب داشتن آنچه بر- والیان- پیش از تو رفته است، از حکومت عدلی که کرده‌اند و سنت نیکویی که نهاده‌اند؛ یا اثری که از پیامبر ما <sup>(ص)</sup> به‌جاست یا واجبی که در کتاب خداست؛ پس اقتدا کنی (همان، نامه‌ی ۵۳).	PC87	تقلید کردن از سنت‌های نیکوی والیان و قرآن و سنت پیامبر
۳۶	آن‌که خود را پیشوای مردم سازد، پیش از تعلیم دیگری باید به ادب کردن خویش پردازد و پیش از آنکه به گفتار تعلیم فرماید، باید به کردار ادب نماید و آنکه خود را تعلیم دهد و ادب اندوزد، شایسته‌تر به تعظیم است از آن‌که دیگری را تعلیم دهد و ادب آموزد (همان، حکمت ۷۳).	PD41	ضرورت تربیت خویشتن پیش از تربیت دیگران در الگو بودن

## ۲.۲. استخراج مقوله‌های سازوکار تربیتی الگوهای اخلاقی از گزاره‌های نهج‌البلاغه

پس از مشخص شدن «مفاهیم» که دربردارنده‌ی گزاره‌هایی است که می‌توان مفاهیم سازوکار تربیتی الگوهای اخلاقی را از طریق آن‌ها از متن نهج‌البلاغه استنباط کرد، مفاهیمی را که قرابت معنایی دارند و امکان گردآوری آن‌ها تحت یک چتر معنایی وسیع‌تر هست، در قالب «مقوله‌ها» دسته‌بندی شده‌اند.

ردیف	مقولات	مفاهیم
۱	ضرورت الگوگرایی	تقلید از الگو و نتایج آن لزوم داشتن الگو
۲	شناخت مبنای الگوگرایی	اعتقاد به توحید مبنای رفتاری در الگوی اخلاقی توحید مبنای رفتاری الگو بودن امام علی <sup>(ع)</sup> مبنای معادباوری برای ایجاد انگیزه‌ی تقلید از امام معاد مبنای رفتاری برای الگو بودن متقین مبنای دنیاشناسی رسول اکرم <sup>(ص)</sup> شناخت مبنای توحید در الگو شدن پیامبر توحید مبنای فکری رسول اکرم <sup>(ص)</sup>
۳	معرفی الگوهای اخلاقی	الگو قرار دادن قرآن الگو بودن قرآن و اهل بیت الگو بودن پیامبر اکرم <sup>(ص)</sup> الگو بودن حضرت عیسی <sup>(ع)</sup> الگو بودن حضرت موسی <sup>(ع)</sup> الگو بودن حضرت داوود <sup>(ع)</sup> الگو بودن متقین خلاق روایی از زندگی رسول اکرم <sup>(ص)</sup> اصول رفتاری رسول خدا <sup>(ص)</sup> در برخورد با دنیا
۴	بررسی اصول رفتاری الگو	اصول رفتاری حق طلبی و عدالت در پیامبر اکرم <sup>(ص)</sup> برای الگو بودن اصول رفتاری رسول خدا <sup>(ص)</sup> در برخورد با دنیا برپایی سنت و مبارزه با بدعت در اصول رفتاری امام (حاکم) اصل رفتاری پرهیز از کبر در پیامبران اصول رفتاری امام علی <sup>(ع)</sup> برای الگو بودن اصل رفتاری همدلی امام علی <sup>(ع)</sup> به عنوان الگو در رهبری جامعه ضرورت تربیت خویشتن پیش از تربیت دیگران در الگو بودن الگو بودن قرآن و اهل بیت و بیان اصول رفتاری اهل بیت

ردیف	مقولات	مفاهیم
۵	محوریت عاطفه در الگو گرایی	اصول رفتاری رسول خدا <sup>(ص)</sup> در برخورد با دنیا
		اصول رفتاری امام علی <sup>(ع)</sup> برای الگو بودن
		ایجاد انگیزه برای الگو قرار دادن قرآن
		مبنای معادباوری برای ایجاد انگیزه‌ی تقلید از امام علی <sup>(ع)</sup>
		ایجاد انگیزه برای تقلید از امام علی <sup>(ع)</sup>
		ایجاد انگیزه برای الگو قرار دادن قرآن
		ایجاد انگیزه برای تقلید از امام <sup>(ع)</sup>
۶	تشبه‌جویی	لزوم تقلید از اهل بیت
		تقلید از سیرت و سنت پیامبر <sup>(ص)</sup>
		تقلید در فضیلت نیکوکاری از امام علی <sup>(ع)</sup>
		تقلید از الگو و نتایج آن
		تقلید کردن از سنت‌های نیکوی والیان و قرآن و سنت پیامبر
۷	بررسی اخلاق روایی	توجه به اخلاق روایی در گذشتگان
		اخلاق روایی از زندگی حضرت عیسی <sup>(ع)</sup>
		اخلاق روایی از زندگی حضرت موسی <sup>(ع)</sup>
		اخلاق روایی از زندگی حضرت داوود <sup>(ع)</sup>
		اخلاق روایی عمل‌گرایان و فرعونیان
		اخلاق روایی فرزندان اسماعیل و اسحاق و اسرائیل <sup>(ع)</sup>
		اخلاق روایی از زندگی رسول اکرم <sup>(ص)</sup>

### ۳.۲. استخراج مقوله‌ی اصلی

در این مرحله از پژوهش، از روابط میان مقوله‌های مستخرج از نهج‌البلاغه، مقوله‌ی محوری (دانایی‌فر و امامی، ۱۳۸۶، ص ۸۷) ارائه می‌شود که سایر مقولات بر محور آن گرد می‌آیند و کلیتی را تشکیل می‌دهند (استراوس و کریبن، ۱۳۸۵، ص ۱۱۸) که در بردارنده‌ی مضمون اصلی پژوهش است. این مقوله‌ی اصلی عبارت است از تبیین سازوکار تربیتی الگوی اخلاقی از دیدگاه نهج‌البلاغه با نگاهی به نظریه‌ی زگزبسکی که در جدول و شکل زیر نشان داده شده است:

جدول شماره ۳. تبیین سازوکار تربیتی الگوی اخلاقی در نهج البلاغه با نگاهی به نظریه‌ی زکزیبسی		
ردیف	مقوله‌ی اصلی	مقولات
۱	تبیین سازوکار تربیتی الگوی اخلاقی در نهج البلاغه با نگاهی به نظریه‌ی زکزیبسی	ضرورت الگوگرایی
		شناخت مبنای الگوگرایی
		معرفی الگوهای اخلاقی، الگو بودن قرآن و...
		بررسی اصول رفتاری الگو
		محوریت عاطفه در الگوگرایی
		تشبه‌جویی
		بررسی اخلاق روایی



شکل شماره ۲. تبیین سازوکار تربیتی الگوی اخلاقی در نهج البلاغه با نگاهی به نظریه‌ی زاگزبستی

### ۳. تبیین و تحلیل سازوکار تربیتی الگوی اخلاقی در نهج البلاغه

واژه‌ی «تربیت» از ریشه‌ی «رَبُّو» به معنای زیادت و فزونی و رشد و برآمدن گرفته شده است (ابن‌منظور، ۱۴۰۸، ج ۵، ص ۱۲۶) و عبارت «رَبَّیْتُ»؛ تربیت کردم از واژه‌ی «رَبُّو» است و گفته‌اند: اصلش از مضاعف یعنی «رَبَّ» (رَبَّبَ) بوده است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۱۸۷) و «رَبَّ» به معنای مالک، خالق،

صاحب، مدبر، مربی، قیم، سرور و منعم و نیز اصلاح‌کننده‌ی هر چیز است (ابن‌فارس، ۱۳۸۹، ج ۲، ص ۳۸۱-۳۸۲)؛ بنابراین، «رَبِّ» به معنای مالک و مدبر و تربیت‌کننده است. راغب اصفهانی در این باره تعبیر دقیقی دارد و چنین آورده است: «الرَّبُّ فِي الْأَصْلِ التَّرْبِيَةُ وَ هُوَ: إِنْشَاءُ الشَّيْءِ حَالًا فَحَالًا إِلَى حَدِّ السَّمَامِ»؛ یعنی «رَبِّ» در اصل به معنای تربیت و پرورش است و عبارت است از ایجاد کردن حالتی پس از حالت دیگر در چیزی تا به حد نهایی و تام و کمال خود برسد (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۱۸۴). در تربیت انسان نیز همین حالات اتفاق می‌افتد و لازم است بسترهای لازم برای شکوفا شدن و به فعلیت رسیدن استعدادها فراهم شود و الگویابی یکی از روش‌های مؤثر تربیتی برای ایجاد بستر به‌منظور رسیدن به کمالات انسانی است. امام علی<sup>(ع)</sup> در سخنان متعددی، به ضرورت الگویابی و تأسی انسان به راه و رسم الگوی اخلاقی اشاره نموده‌اند: «آگاه باش که هر پیروی را پیشوایی است که پی وی را پویید و از نور دانش او روشنی» (نهج‌البلاغه، نامه‌ی ۴۵) و «خوشا دارنده‌ی دل بی‌گزند که پیروی کند کسی را که او را راه نماید و دوری کند از آن‌که او را تباہ نماید و به راه سلامت رسیده است به راهبری آن‌که او را راه نمود و فرمان‌برداری راهنمایی که او را چنان فرمود و به راه رستگاری شتافت، پیش از آنکه دره‌ایش بسته شود و وسیلت‌هایش گسسته و در توبه را گشودن خواهد و گناهان را زدودن. چنین کس بر سر راه ایستاده است و راه راست به رویش گشاده (همان، خطبه‌ی ۲۱۴).

با بررسی‌های صورت‌گرفته در این پژوهش، در بینش الگوهای اخلاقی برخی مبانی وجود دارد که عبارت از است بنیان‌ها و اساس‌هایی (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۱۳، ص ۲۰۹۹) که شامل مباحث نظری زیرساختی است و هیچ حرکت اصلاحی در حوزه‌ی تربیت بدون آگاهی از این مباحث راه به‌جایی نمی‌برد و این بنیان‌های فکری سبب تغییر بینش‌های انسانی می‌شود تا بر اساس آن‌ها، تغییر رفتارهای متربی به‌درستی تحقق یابد (دلشاد تهرانی، ۱۳۸۶، ص ۳۸۹).

امام علی<sup>(ع)</sup> گواه به یگانگی خدا را سرلوحه‌ی نیکوکاری و احسان معرفی کرده‌اند (نهج‌البلاغه، خطبه‌ی ۲) و مبنای توحید و باور داشتن به آن را یکی از بنیان‌های فکری الگوهای اخلاقی در نهج‌البلاغه برشمرده‌اند: «بدان سِرکَم که هیچ‌کس چون رسول<sup>(ص)</sup> از خدا آگاهی نداده است؛ پس خرسند باش که او را راه‌برت گیری و برای نجات پیشوایی‌اش را بپذیری» (همان، نامه‌ی ۳۱) و «به پیامبر<sup>(ص)</sup> تأسی جوی... او می‌دانست چه چیزی مبعوض خداست، آن را مبعوض می‌شمرد، چه چیز نزد خدا حقیر است، آن را حقیر می‌دانست و چه چیز نزد او کوچک است، آن را کوچک می‌دید» (همان، خطبه ۱۶۰).

معادباوری بنیان فکری دیگری برای شکل‌گیری رفتار و ویژگی‌های الگوی اخلاقی است، چنان‌که باور به معاد سبب شکل‌گیری بینش الگوهای اخلاقی برای پرهیز از ستم معرفی شده است. امام علی<sup>(ع)</sup> در جایگاه الگوی اخلاقی در این باره می‌فرماید: «پس خدا را! خدا را! پرهیزید از سرکشی در این جهان و بترسید از کیفر ناخوشایند ستم در آن جهان» (همان خطبه ۱۹۲) و «اگر خدا برای ستم و بیداد که از آن نهی فرمود، کیفری که از آن ترسند، نمی‌نهاد، ثوابی که در پرهیز از آن است، جای عذری برای نخواستن آن نمی‌گذارد» (همان، نامه‌ی ۵۱)؛ از این‌رو، در توصیف عملکرد خویش پس از به خلافت رسیدن بیان می‌کند: «مرا فرمان می‌دهید تا پیروزی را بجویم به ستم کردن در براره‌ی آن‌که والی اویم. به خدا که نپذیرم تا جهان سر آید و ستاره‌ای در آسمان پی ستاره‌ی برآید» (همان، کلام ۱۲۶).

در بینش معادباورانه‌ی امام<sup>(ع)</sup>، شناخت و اقتدا کردن متربی به الگوهای تام اخلاقی سبب رستگاری و وصول او به بهشت معرفی شده است: «همانا امامان از جانب خدا تدبیرکننده‌ی کار مردمانند و کارگزاران بندگانند. کسی به بهشت نرود جز آنکه آنان را شناخته باشد و آنان او را شناخته باشند و به دوزخ در نشود، جز آنکه منکر آنان بود و آنان وی را نپذیرفته باشند و محرم نساخته» (همان، خطبه‌ی ۱۵۲)؛ «اگر فرمان مرا بردید، ان شاء الله شما را به راه بهشت می‌برم، هرچند سخت دشوار باشد و تلخ کامی آن پدیدار» (همان، خطبه‌ی ۱۵۶).

نوع نگاه و شیوه‌ی برخورد با دنیای نکوهیده، سومین مبنای فکری الگوی اخلاقی در نهج‌البلاغه است. امام علی<sup>(ع)</sup> به این مبنای فکری رسول اکرم<sup>(ص)</sup> اشاره می‌کند و می‌فرماید: «پیامبر<sup>(ص)</sup> دنیا را بسیار حقیر و کوچک می‌شمرد و آن را خوار و بی‌مقدار می‌دانست و در دیدگاه دیگران نیز تحقیرش می‌کرد. او می‌دانست خداوند برای احترام و گرمای داشت وی، دنیا را از او گرفته و به خاطر حقارتش، آن را برای دیگران گسترده ساخته است! (و به این ترتیب، پیغمبر) با قلب و روح خود از دنیا روی‌گردان شد و یاد آن را برای همیشه در دل خود میراند» (همان، خطبه‌ی ۱۰۹).

بر پایه‌ی این مبانی، نوع رفتار و سبک زندگی الگوهای اخلاقی تحت عنوان اصول رفتاری شکل می‌گیرد که شامل اصل‌های عملی کلی، مشخص و ثابت است (دلشاد تهرانی، ۱۳۹۱، ص ۱۲۰). امام علی<sup>(ع)</sup> در سخنانی، به اصول رفتاری خویش اشاره می‌کند و می‌فرماید: «من از مردمی هستم که در راه خدا از سرزنش ملامت‌کنندگان باز نمی‌ایستند» (نهج‌البلاغه، خطبه‌ی ۱۹۲). «آیا حکم قرآن را میان شما جاری نداشتیم و دو فرزندم را- که پس از من چراغ راه دین‌اند- و خاندان پیامبر را که گوهران گزین‌اند، برای شما نگذاشتیم؟ رایت ایمان را میان شما پابرجا کردم و مرزهای حلال و حرام را برایتان جدا. از عدل خود لباس عافیت بر تنتان کردم و با گفتار و کردار خویش معروف را میان شما گستردم- تا بدانید دادگر کیست و نیکوکار چه کسی است- و با خوی خود شما را نشان دادم که اخلاق گزیده چیست» (همان، خطبه‌ی ۸۷).

از سویی در نهج‌البلاغه، امام علی<sup>(ع)</sup> با بیان اخلاق روایی و توصیف حالات و رفتارهای الگوهای اخلاقی، امکان مشاهده‌ی عینی از الگوها و شناخت دقیق از خصلت‌های قابل‌تحسین و ارزشمند را برای متربی فراهم کرده‌اند:

«(تو ای مسلمان)، به پیامبر پاک و پاکیزه‌ات<sup>(ص)</sup> تأسی جوی؛ زیرا در او سرمشقی است برای آن کس که می‌خواهد تأسی جوید... او روی زمین (بدون فرش) می‌نشست و غذا می‌خورد و با تواضع همچون بردگان جلوس داشت. با دست خود پارگی کفش خویش را می‌دوخت و با دست خود لباسش را وصله می‌زد. بر مرکب برهنه سوار می‌شد و (حتی) کسی را پشت سر خود سوار می‌کرد. پرده‌ای بر در اتاق خود دید که در آن تصویرهایی بود. همسرش را صدا زد و فرمود: "آن را از نظرم پنهان کن که هر زمان چشمم به آن می‌افتد، به یاد دنیا و زر و زیور آن می‌افتم." به این ترتیب، با قلب خود (و همه‌ی وجودش) از زر و زیور دنیا روی‌گردان بود و یاد آن را در وجود خود میراند و دوست داشت زر و زیور آن همواره از چشمش پنهان باشد؛ مبادا از آن لباس فاخری برای خود تهیه کند و دنیا را قرارگاه خویش پندارد و امید اقامت در آن را داشته باشد؛ در نتیجه، آن را از جان خود بیرون راند و از قلب خود دور

ساخت و از دیدگانش پنهان نمود. (آری)، چنین است آن کسی که چیزی را مبعوض می‌دارد و نگاه کردن و یادآوری آن را نیز مبعوض می‌شمرد» (همان، خطبه‌ی ۱۶۰).

و در سخنی دیگر بیان می‌کند:

«و اگر خواهی از عیسی بن‌مریم<sup>(ع)</sup> گویم که سنگ را بالین می‌کرد و جامه‌ی درشت به تن داشت و خوراک ناگوار می‌خورد و نان‌خورش او گرسنگی بود و چراغش در شب ماه و در زمستان مشرق و مغرب زمین او را سایبان بود و جای پناه و میوه و ریحان او آنچه زمین برای چهار پایان رویاند از گیاه. زنی نداشت تا او را فریفته‌ی خود سازد، فرزندی نداشت تا غم وی را خورد و نه مالی که او را مشغول کند و نه طمع‌ی که او را به خواری دراندازد. مرکب او دو پایش بود و خدمت‌گزار وی دست‌هایش» (همان، خطبه‌ی ۱۶۰).

انسان به سبب آنکه در همه‌ی عمر با امور محسوس سروکار دارد، بیش از هر چیز، از روش‌های عینی متأثر است و روش الگویی به‌عنوان تربیتی عملی بر جان انسان‌ها می‌نشیند و در نفوس آنان رسوخ می‌کند. بهترین مفاهیم و رساترین اندیشه‌ها هنگامی که در قالب نمونه‌ای عینی ارائه می‌شود، کاملاً ادراک و تصدیق می‌گردد. کلیات علمی اگر بر مصادیق تطبیق نشود، تصدیق آن و ایمان به درستی‌اش برای نفس سنگین و دشوار است. این سخن که غایت تربیت اتصاف به اسمای حسنا‌ی الهی و صفات ربوبی است، درک نمی‌شود، مگر آنکه تحقق آن در نمونه‌ای عینی مشاهده گردد و مرتبی دریابد که می‌تواند راه تربیت را طی کند و به مقصد آن برسد، همان‌طور که در نمونه‌ای ملموس آن را می‌یابد. بهترین روش تربیت این است که مربی اوصافی را که به مرتبی سفارش می‌کند، به همان‌گونه‌ای که می‌خواهد مرتبی بدان متصف شود، خود واجد آن باشد (طباطبایی، ۱۳۹۳، ج ۶، ص ۲۵۸)؛ از این‌رو، امام علی<sup>(ع)</sup> در بیان اصول رفتاری خویش در جایگاه الگوی اخلاقی می‌فرماید: «ای مردم، به خدا سوگند! من شما را به هیچ طاعتی ترغیب نمی‌کنم، مگر اینکه خودم پیش از شما به آن عمل می‌نمایم و شما را از هیچ معصیتی باز نمی‌دارم، مگر اینکه خودم پیش از شما از آن دوری می‌جویم» (نهج‌البلاغه، خطبه‌ی ۱۷۵)؛ «آن که خود را پیشوای مردم سازد، پیش از تعلیم دیگری باید به ادب کردن خویش پردازد و پیش از آنکه به گفتار تعلیم فرماید، باید به کردار ادب نماید و آنکه خود را تعلیم دهد و ادب اندوزد، شایسته‌تر به تعظیم است از آن که دیگری را تعلیم دهد و ادب آموزد» (همان، حکمت ۷۳). امام<sup>(ع)</sup> در سخنی، به راهبری خویش برای رسیدن به روشنایی، کسب نیکی‌ها و هر آنچه سبب انگیزه‌ی مرتبی برای رسیدن به کمال است، اشاره می‌کند و می‌فرماید: «من میان شما همانند چراغم در تاریکی. آن که به تاریکی پای گذارد، از آن چراغ روشنی جوید و سود بردارد؛ پس ای مردم بشنوید و در دل بگنجانید و گوش دل خود را آماده کنید تا نیک بدانید» (همان، خطبه‌ی ۱۸۷).

از این‌رو، مرتبی با شناخت مبانی فکری و اصول رفتاری الگوی اخلاقی، کشش و انگیزه‌ی لازم را به دست خواهد آورد، چنان‌که قرآن کریم که در نهج‌البلاغه به‌عنوان یکی از الگوهای اخلاقی معرفی شده است، آثار تحسین‌برانگیزی را برای اخلاق مرتبی و رسیدن او به کمال فراهم می‌کند: «(قرآن) راهنمای هر که بدان اقتدا کند و راهبر آن که آن را به کار دارد و برنده‌ی آن که آن را کار

فرماید و نشان آن کس که در آن بنگرد، چنانکه باید و نگاهدار کسی که خود را بدان از آسیب پاید و دانش کسی که آن را نیک به خاطر سپارد» (همان، خطبه‌ی ۱۹۸)؛ «قرآن گرد دودی از دل‌ها بزدايد و با حجت و دليل ملزم فرمايد. نشانه‌هايش را ببينند و بيش نستيزند و بترسند و از گناه بپرهيزند» (همان، خطبه‌ی ۲).

این مقبولیت الگوی اخلاقی سبب ایجاد انگیزه و جهت دادن و راه‌بری متریبان برای تشبه‌جویی به الگوی اخلاقی می‌شود: «به خاندان پیامبرتان بنگرید و بدان سو که می‌روند، بروید و پی آنان را بگیرید؛ که هرگز شما را از راه رستگاری بیرون نخواهند کرد و به هلاکتان باز نخواهند آورد. اگر ایستادند، بایستید و اگر برخاستند، برخیزید. بر آنان پیشی مگیرید که گمراه می‌شوید و از آنان پس نمانید که تباہ می‌گردید» (همان، خطبه‌ی ۹۷).

### نتیجه‌گیری

با توجه به مطالبی که بیان شد، گزاره‌های متعددی درباره‌ی الگوی اخلاقی در تربیت انسان در نهج‌البلاغه مطرح گردیده است. با بررسی درون‌متنی درباره‌ی تبیین سازوکار تربیتی الگوی اخلاقی این نتیجه به دست می‌آید که بر اساس آموزه‌های نهج‌البلاغه، مبانی توحید، معاد و دنیاشناسی مباحث زیرساختی و اساسی در بینش الگوی اخلاقی است که بر اساس همین، بعضی از اصول عملی کلی و ثابت مانند عدالت و حق‌طلبی در رفتارهای الگوی اخلاقی شکل می‌گیرد. این اصول رفتاری گاهی به صورت کلی و گاهی به صورت اخلاق روایی در نهج‌البلاغه مطرح شده است که حکایت از سبک زندگی و بیان حالات الگو در زندگی فردی و اجتماعی اوست که کشش و جاذبه‌ی تحسین‌برانگیز دارد و سبب انگیزه‌ی متریبی برای تشبه‌جویی به الگوی اخلاقی در سبک زندگی است. گفتنی است با مطالعه‌ی نظریه‌ی اخلاقی زاگزبسکی، با وجود مفاهیم مشترک میان این نظریه‌ی اخلاقی و مفاهیم نهج‌البلاغه، نمی‌توان این نظریه را به‌طور کامل منطبق با الگوی اخلاق از دیدگاه نهج‌البلاغه در تبیین سازوکار تربیتی الگوی اخلاقی علوی دانست.

## منابع

- قاین‌فارس، ابوالحسن احمد؛ معجم مقاییس اللغة؛ به تحقیق و ضبط عبدالسلام محمد هارون؛ الطبعة الثانية، مصر: شركة مكتبة و مطبعة الحلبي، ۱۳۸۹ ق.
- ابن‌منظور، جمال‌الدین محمد بن مکرم؛ لسان العرب؛ بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۸ ق.
- استراوس، انسلم و جولیت کرین؛ اصول روش تحقیق کیفی: نظریه‌ی مبنایی، رویه‌ها و شیوه‌ها؛ ترجمه‌ی بیوک محمدی؛ تهران: پژوهشکده علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۸۵ ش.
- خداپرست، امیرحسین؛ «تحول اخلاقی باور دینی در تعامل با معرفت‌شناسی فضیلت‌گرایانه زگزیسکی»، استاد راهنما: رضا اکبری، گروه فلسفه، ۱۳۹۳ ش.
- دانایی‌فرد، حسن و سید مجتبی امامی؛ «استراتژی‌های پژوهش کیفی: تاملی بر نظریه‌پردازی داده‌بنیاد»؛ اندیشه‌ی مدیریت، شماره‌ی ۲، ۱۳۸۶ ش.
- دانایی‌فرد، حسن؛ «تئوری‌پردازی با استفاده از رویکرد استقرائی: استراتژی مفهوم‌سازی تئوری بنیادی»؛ دانش‌ور رفتار، شماره‌ی ۱۱، ۱۳۸۴ ش.
- دلشاد تهرانی، مصطفی؛ تفسیر موضوعی نهج‌البلاغه؛ قم: معارف، ۱۳۹۱ ش.
- \_\_\_\_\_؛ جزوه‌ی دکتری-الکترونیکی دانش‌های ورودی نهج‌البلاغه؛ ۱۳۹۱ ش.
- \_\_\_\_\_؛ سیره‌ی نبوی، دفتر چهارم: سیره‌ی خانوادگی؛ تهران، دریا، ۱۳۸۶ ش.
- \_\_\_\_\_؛ سیری در تربیت اسلامی؛ تهران: دریا، ۱۳۸۵ ش.
- دهخدا، علی‌اکبر؛ لغت‌نامه دهخدا؛ تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۷۷ ش.
- راغب اصفهانی، ابوالقاسم الحسین بن محمد؛ المفردات فی غریب القرآن؛ بیروت: دار الشامیه، ۱۴۱۲ ق.
- زگزیسکی، لیندا؛ فضایل ذهن، تحقیقی در رهیافت فضیلت و مبانی اخلاقی معرفت؛ ترجمه‌ی امیرحسین خداپرست؛ تهران: کرگدن، ۱۳۹۳.
- سید رضی؛ نهج‌البلاغه؛ ترجمه‌ی سید جعفر شهیدی؛ بر اساس نسخه‌ی دکتر صبحی صالح؛ ۱۳۸۰ ش.
- شهریاری، شیما و محمدحسین نواب؛ «نظریه‌ی اخلاقی زگزیسکی: نظریه‌ی فضیلت‌مدار الگوگرا»؛ فلسفه، شماره‌ی ۱، ۱۳۹۴ ش.
- الطباطبائی، السید محمدحسین؛ المیزان فی تفسیر القرآن؛ قم: دارالکتاب الاسلامی، ۱۳۹۳ ش.
- Zagzebski, Linda Trinkaus, *Virtues of the Mind*, New York Cambridge University Press, (1996a).
- \_\_\_\_\_, "The Incarnation and Virtue Ethics." In *The Incarnation*, ed. Davis Stephen T, Kendall Daniel and O'Collins Gerald. New York: Oxford University Press, (2002).
- \_\_\_\_\_, "Exemplarist Virtue Theory." *Metaphilosophy*. Oxford: Blackwell Publishing Ltd, January 11, Vol. 41, pp. 41-57, (2010).
- \_\_\_\_\_, "Morality and Religion." In *The Oxford Handbook of Philosophy of Religion*, ed. Wainwright William J..New York: Oxford University Press, (2005)
- \_\_\_\_\_, "The Admirable Life and the Desirable Life." In *Values and Virtues: Aristotelianism in Contemporary Ethics*, ed. Chappell Timothy. New York: Oxford University Press, (2006).